

ژئوپلیتیک شیعه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بررسی موردی تاثیر دو جنگ اسرائیل با حزب الله و حماس ، بر روابط ایران و جمهوری آذربایجان

عبدالرضا فرجی راد^۱، سید هادی ساداتی^۲، علی سهرابی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۹/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۵

چکیده

جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه ی حزب الله و حماس با اسرائیل باعث شد که سیاست خارجی ایران در تکاپوی ایجاد ائتلافی ضد اسرائیلی برآید و در نتیجه، واکنش کشورهای منطقه نسبت به تحولات ذکر شده برای ایران هم ارزیابی گردد.

در این میان کشور آذربایجان که دارای روابط استراتژیک با اسرائیل در حوزه های: نظامی، اقتصادی و تکنولوژیک می باشد با چالشی پیرامون این موضوع روبرو شده؛ از یک طرف این کشور با اکثریتی شیعه و احساس قربایت ذهنی با حزب الله و واکنش های مردمی روبرو بود و از سوی دیگر مسئله ی حقوق بشر و حمایت از آرمان های بشری نیز این کشور را در تنگنای واکنش قرار داده بود و این مسئله نهایتاً باعث شد که این کشور اقدام های اسرائیل را محکوم کند و به همین مسئله اکتفا کرد. ولی این واکنش در نگاه مقامات ایرانی کافی نبود علی الخصوص که آذربایجان محدودیت هایی را برای راهپیمایی های مردمی ایجاد نموده بود، که مورد انتقاد ایران بود. در این نوشتار، تأثیر تحولات در جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه حزب الله و حماس با اسرائیل بر روابط ایران و آذربایجان مورد بررسی قرار می گیرد.

واژگان کلیدی

ایران - آذربایجان - ژئوپلیتیک تشیع - اسرائیل - حزب الله - حماس

^۱ استادیار ژئوپلیتیک دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای دانشگاه علامه طباطبائی تهران ایران

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

مقدمه

موضوع فلسطین یکی از مسائل حل نشده‌ی خاورمیانه طی ۶ دهه‌ی اخیر بوده است که در طول این مدت، اختلاف دیدگاه‌های پیرامون آن در بین کشورها وجود داشته است. جمهوری اسلامی ایران در طول سی سال گذشته همواره سعی نموده که از ارمان تشکیل دولت فلسطینی دفاع نماید و همواره به دنبال دفاع از حقوق از دست رفته‌ی فلسطینیان کوشیده است.

اسرائیل، در آغاز ورود به هزاره‌ی سوم، مجبور به عقب نشینی از خاک لبنان که در دهه‌ی ۸۰ به اشغال درآورده بود شد اما پس از چند سال در سال ۲۰۰۷ باز دوباره به لبنان حمله نمود و با حزب الله وارد جنگ شد که در نتیجه‌ی آن اسرائیل پس از ۳۳ روز جنگ، بدون دست‌آورد مشخصی مجبور به عقب نشینی شد و اشتباه استراتژیک بعدی اسرائیل نیز، حمله به نوار غزه بود که در این جنگ علیرغم ابعاد کم خسارات مادی، بر پرستیژ اسرائیل لطمه بزرگی زد و نتیجتاً این کشور را در اذهان عمومی مردم منطقه و جهان به رژیم‌ی ضد حقوق بشری و تروریست تبدیل نمود.

در این جنگ تنها دو گروه وجود داشت: گروه اول مخالفان جنگ و گروه دوم کشورهایی که بنا به دلایلی در مقابل اقدامات اسرائیل سکوت نموده بودند. ایران به دلیل سابقه‌ی حمایت از فلسطین و حزب الله، به دنبال ایجاد ائتلاف ضد اسرائیلی بود و در این میان از پتانسیل خود برای تحقق این جبهه‌ی عدالت خواهی، تمامی تلاش خود را نمود و موجب سمت و سو گیری هایی نیز برای ایران گردید.

کشور آذربایجان به دلیل دارا بودن روابط استراتژیک با اسرائیل همواره سعی در گسترش روابط خود با این کشور داشته است اما بدنه‌ی مسلمان و شیعی مردم این کشور، همواره به صورت عامل بازدارنده‌ی برای این دولت در گسترش روابط اش با اسرائیل بوده است. در دوره‌های خاص مثل دو جنگ نامبرده واکنش‌های مردمی در این جمهوری اوج گرفته و از طرف دیگر دولت نیز مجبور به واکنش در برابر این تحولات شد.

در این نوشتار به این مسئله پرداخته می شود که نوع نگاه به ایران به مسئله‌ی فلسطین آیا تاثیری بر رابطه

ایران و آذربایجان داشته است یا خیر؟ و این در حالی است که ایران همواره به دنبال گسترش ارتباط خود در سطح منطقه، علی‌الخصوص با کشور های همسایه بوده است و اینکه واکنش سران جمهوری آذربایجان به تحولات فلسطین و اسرائیل تا چه میزان بر روابط ایران با این کشور تاثیر گذار بوده است.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی-تبیینی با روش گردآوری کتابخانه‌ای و فیش برداری از این منابع و استفاده از منابع اینترنتی شامل اسناد و مقالات موجود در آرشیو مجلات معتبر تهیه گردیده است. سوال اصلی در این تحقیق این است که "جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه حزب الله و حماس با اسرائیل چه تأثیری بر رابطه ایران و آذربایجان گذاشت؟" در جواب این پرسش فرضیه‌ی تحقیق بر این مبنا استوار است که "به علت نگاه واقع گرایانه‌ی ایران در حوزه‌ی سیاست خارجی خود با کشورهای شمالی، نگاه تشیع محور عامل ایجاد همکاری های فرهنگی ضعیفی شده و نگاه آرمان گرایانه‌ی ایران در موضوع فلسطین بستر ساز تحولی بنیان کن در روابط آذربایجان و ایران نگردیده است".

متغیرها

متغیر مستقل: جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه حزب الله و

حماس با اسرائیل

متغیر وابسته: روابط ایران و آذربایجان

متغیرهای میانجی: ژئوپلیتیک تشیع، مسئله‌ی فلسطین

، منافع ملی

متغیرهای تعدیل کننده: رویکرد رئالیستی به سیاست

خارجی، رویکرد آرمان گرایانه به سیاست خارجی

جایگاه فلسطین در سیاست خارجی ایران

موضوع فلسطین همواره یکی از مسایل موثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی بوده است؛ این تاثیر تا بدان حد است که در سطوح کلان بر تصمیم‌گیریها و گرایشها اثر گذار بوده است. وجود اصولی در قانون اساسی مبنی

دیپلماتیک و تبلیغی و حمایت روحی است؛ اما در عمل ارتباطات نظامی ایران و حزب الله امری مسلم است و گذشته از آن، حمایت‌های لجستیکی ایران مدتها قبل از شروع درگیریها بر می‌گشته است.

در این میان در خلال دو جنگ، دیپلماسی ایران سعی داشت تا با ایجاد جبهه‌ی حمایت از حزب الله و حماس، به وسیله‌ی کشورهای منطقه، جلوی حملات اسرائیل به لبنان و نوار غزه گرفته شود که نمونه این نوع ادبیات را می‌توان در نامه‌های فرستاده شده از سوی رئیس‌جمهور ایران محمود احمدی‌نژاد به ملک عبدالله، پادشاه عربستان مشاهده کرد (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۷) و همچنین فرستادن نمایندگان ویژه به کشورها و در کنار این تحرکات وزارت خارج ایران، تماس‌ها و دیدارهای وزیر امور خارجه در این راستا بود. (تحرکات دیپلماتیک دولت نهم برای نجات غزه، ۱۳۸۷)

یکی از مهمترین تحرکات جمهوری اسلامی ایران در سطح تبلیغی، استفاده از رسانه‌های انگلیسی و عربی زبان وابسته به جمهوری اسلامی ایران بود. در خلال دو جنگ رخ داده؛ شبکه‌ی انگلیسی زبان Press TV، العالم و همچنین سحر به عنوان رسانه‌های عربی زبان، برنامه‌های ویژه و خاص را برای پوشش رسانه‌ای موضوع و در بیانی دیگر، جنگ رسانه‌ای با اسرائیل به راه انداختند. استفاده از برنامه‌های سبک تریون آزاد، که اغلب، نمایش دهنده‌ی مخالفت‌های مردمی از نقاط مختلف جهان با این دو جنگ می‌شد این دو جنگ را اقدام علیه حقوق بشر نشان می‌داد.

دعوت به تشکیل جلسه‌ی سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان‌های بین‌المللی نیز، جنبه‌ی دیگر دیپلماسی ایران در زمینه‌ی برخورد با دو جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه بود (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۷) که بعضاً منجر به تشکیل چنین جلسات و اعلام محکومیت اقدامات اسرائیل گردیده که البته این محکومیت از حد بیانیه فراتر نرفت اما همین مسئله، زمینه‌ی تبلیغی خوبی را برای ایران فراهم نمود.

بر حمایت از ملتهای مستضعف که اغلب مسئله‌ی فلسطین، تنها نیز شکلی از آن است؛ منجر به دخالت‌های ایران در مسئله‌ی فلسطین شده است.

با احتساب مسئله‌ی فلسطین به عنوان متغیری مستقل، می‌توان میزان تأثیرات آن را در جهت‌گیریهای سیاست خارجی مشاهده کرد. ایران همواره در مسئله‌ی فلسطین، موضعی تجاری و ضد روند عادی‌سازی روابط با اسرائیل داشته است که مواضع ایران در قبال صلح کمپ دیوید، مادرید، اسلو و شرم الشيخ از این نمونه بوده‌اند.

آقای علی اکبر ولایتی، در کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی، در قبال تحولات فلسطین معتقد است که تلقی ایران نسبت به کشورهای که با اسرائیل رابطه داشته؛ بر این است که آنها موجودیت این رژیم را به رسمیت شناخته‌اند (ولایتی، ۱۳۸۷، ص. ۲۵۸). اما مسئله‌ی قابل توجه در رابطه‌ی فوق‌الذکر، این است که ایران بعد از جنگ ۸ ساله هیچگاه تحولات صورت گرفته در فلسطین را به صورت عملی در مناسبات خود با کشورهای منطقه و حتی در سطح بین‌المللی وارد ننموده و نمونه‌های متعددی نیز برای این مسئله می‌توان ذکر کرد که در دولت احمدی‌نژاد که بیشترین شعارها در رابطه با حمایت از فلسطین داده شد؛ تلاش زیادی برای ایجاد رابطه با مصر انجام گرفت (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۴) و این در حالی بود که مصر، متحد اسرائیل بود و همچنین در جنگ ۲۲ روزه با بستن گذرگاه مرزی خود با نوار غزه از اسرائیل در این جنگ، حمایت عملی نمود. (گزارش، ۱۳۹۰: ۱۱) یا، عربستان که دارای روابط نزدیک با اسرائیل و همچنین مخالف حماس و حزب الله در جنگ با اسرائیل بود.

تحرکات ایران در جنگ‌های حزب الله و حماس با اسرائیل

در دو جنگ اسرائیل با حزب الله لبنان و همینطور جنگ ۲۲ روزه حماس و اسرائیل در نوار غزه، ایران به حمایت از این دو گروه در مقابل اسرائیل پرداخت البته سیاست‌های اعلامی و اعمالی ایران در این جنگ، متفاوت، اما در یک راستا بود؛ چرا که ایران، در سطح اعلامی عقیده داشت که حمایت ایران در سطح

بررسی رابطه ایران و آذربایجان

آذربایجان، کشوری سکولار با اکثریتی مسلمان شیعی در منطقه ی قفقاز می باشد. جمهوری اسلامی ایران از زمان استقلال این کشور، جزء اولین کشورهایی بود که موجودیت آن را به رسمیت شناخت و روابط خود را در سطح بالایی آغاز کرد. ایران از زمان استقلال این جمهوری از شوروی سابق، سعی در ایجاد رابطه ای برپایه ی دوستی و همکاری متقابل با این کشور نمود. و از همان آغاز رابطه ی دیپلماتیک را در بالاترین سطح برقرار کرد و تلاش خود را در جهت کمک به این کشورها در به دست آوردن استقلال واقعی شان نمود. دفاع از مواضع این کشورها در مجامع بین المللی چون کنفرانس اسلامی، دعوت برای الحاق به سازمان همکاری های اقتصادی (اگو) و تلاش در جهت ایجاد امکان برای انتقال نفت این کشور به بازارهای جهانی و مجموعه اقدامات دیگری که با حسن نیت ایران برای همکاری صورت گرفت؛ نوید بخش آینده ای روشن در روابط دو کشور را می داد اما روند تحولات پیش آمده بین دو کشور، مسیر متفاوتی را طی کرد. اما به تدریج با در پیش گیری «سیاست ملی ملیتگرایی و بیان آذریسم» از سوی آذربایجان علی الخصوص ایلچی بیگ، روابط دو طرف رو به سردی نهاد (tokluoglu, 2005:722-750) و این روند با مناقشه ی قره باغ و ادعای حمایت ایران از ارمنستان، از طرف دولت آذربایجان همچنان ادامه دارد (بهرامی، ۲۸ شهریور ۱۳۸۹: ۸).

آذربایجان در استراتژی بلند مدت خود نزدیکی به غرب را در اولویت خود قرار داده است ایران این رابطه را مورد انتقاد قرار داد. و حضور اسرائیل را در کنار مرزهای خود یک خطر امنیتی تلقی می کند. برای مثال، ایران در جریان سفر نخست وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو، به آذربایجان اعلام داشت که دولت آذربایجان وارد بازی خطرناکی شده است و این مسئله موجب تیره شدن رابطه این دولت با کشورهای اسلامی منطقه و جهان می گردد. (Aras, 1998: 74)

بررسی روابط آذربایجان و اسرائیل

آذربایجان بر اساس دکترین بین گوربرن، برای اسرائیل جایگاه ویژه ای دارد. این کشور، به دلیل مسلمان و غربی بودن براساس دکترین فوق الذکر، می بایست در محور رابطه اسرائیل با کشورهای منطقه قرار گیرد (Abadi, 2002: 66).

وجود اقلیتی یهودی در این کشور و همچنین اشتراکات تاریخی آذربایجان با یهودیان اشکنازی، موقعیت مناسبی را در گسترش روابط دو کشور ایجاد نمود، علی الخصوص، که اشنای ها جزء طبقه ی متنفذ در سیاست اسرائیل محسوب می شوند نیز، عامل دیگری در نزدیکی رابطه ی دو طرف شده است.

آذربایجان از رابطه با اسرائیل چند هدف را دنبال می کند. در درجه ی اول جلب حمایت اسرائیل در سیاست خارجی خود، علی الخصوص در مناقشه ی قره باغ به نفع خود (Abilov, 2009: 142) دوم، استفاده از لابی یهودیان آمریکایی برای مقابله با لابی ارامنه ی در آمریکا (Savante Cornell, 2000, pp. 293-294) سوم، دریافت کمک های نظامی از اسرائیل، برای تجهیز ارتش (Melman, September 26, 2008) و چهارم، دریافت کمک های اقتصادی، فنی و تکنولوژیکی.

همسایگی با ایران نیز، عامل مهم دیگری برای جلب نظر اسرائیل به این کشور بوده است. ایران به عنوان بزرگترین مخالف اسرائیل و همچنین کشوری که بارها موجودیت اسرائیل را نامشروع دانسته، باعث افزایش اهمیت آذربایجان به عنوان کشوری که مرزهای مشترک با ایران داشته گردیده است و اسرائیل با حضور در آذربایجان و براساس گزارش برخی منابع، اقدام به نصب دستگاههای شنود الکترونیکی در سواحل دریای خزر و مرزهای ایران کرده است. (Abilov, 2009:143)

ایران و آذربایجان و جنگ های حماس و حزب الله با اسرائیل

برخورد آذربایجان، در جریان دو جنگ رخ داده را می توان، در دو سطح واکنش های مردمی و دوم در سطح واکنش های دولتی مورد تحلیل قرار داد.

انجام نداد. و در برخی از موارد مشاهده شده که پلیس به ضرب و شتم تظاهرکنندگان پرداخت. یا شهردار باکو با برگزاری راهپیمایی تشکل‌های اسلامی و مردم مسلمان جمهوری آذربایجان، در اعتراض به حملات اسرائیل به لبنان و فلسطین مخالفت کرد (روز شمار جنگ ۳۳ روزه، ۱۳۸۷) البته، تحت فشار افکار عمومی، الهام علی‌اف اظهار داشت که اسرائیل می‌بایست حملات خود را علیه غیر نظامیان متوقف کند. و این در حالی بود که محمود احمدی‌نژاد، دولتهای اسلامی از جمله کشورهای منطقه را مورد خطاب قرار داد که باید با تحرک بیشتر به وظایف خود عمل نمایند. رییس‌جمهور در پیامی به ملت‌های آزاده جهان با محکوم کردن جنایات صهیونیست‌ها و حامیان رژیم صهیونیستی در غزه، با تاکید بر اینکه امروز هولوکاست واقعی در غزه و فلسطین در جریان است، مقاومت مردم فلسطین را دفاع از هویت و حقیقت انسانی و حقوق همه ملت‌های آزاده جهان دانست و تصریح کرد: "ملت‌ها هیچ فرصتی را برای حمایت از مظلومین غزه از دست ندهند... به طور جدی و رسمی، از اتحادیه‌ی عرب و دولت‌های عربی و اسلامی به ویژه مصر می‌خواهم که به وظایف خود در این برهه و حمایت از مردم غزه عمل کنند و نشان دهند که با رژیم صهیونیستی پیوستگی و هماهنگی ندارند." (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۷)

در این جا، این سؤال پیش می‌آید که دولت آذربایجان تا چه حد می‌بایست عکس‌العمل نشان دهد که دولت ایران به آن رضایت داشته باشد؟ و این سؤال با درک این مسئله است که صدا و سیما، جمهوری اسلامی با انتشار اخباری مبتنی بر سرکوبی تظاهرکنندگان توسط دولت علی‌اف، عدم رضایت خود را از رویه‌ی دولت آذربایجان نشان می‌داد. اولین اقدام، اعلام محکومیت اقدامات اسرائیل بود که در این سطح، دولت آذربایجان این اقدام را انجام داد. در وهله‌ی دوم اعتراض در سطح دیپلماتیک بود که از احضار سفیر تا اخراج او را در بر می‌گرفت که این مسئله با توجه به سطح استراتژیک روابط آذربایجان و اسرائیل دور از انتظار به نظر می‌رسید و گذشته از آن، رابطه‌ی دو کشور از نوع وابستگی آذربایجان به اسرائیل در سطوح تکنولوژیک، نظامی

در سطح مردمی، واکنش همسو با دیگر ملت‌های خاورمیانه بود. مردم باکو و دیگر شهرهای آذربایجان در اعتراض به جنایات اسرائیل در لبنان و باریکه‌ی غزه تظاهرات کردند؛ این تظاهرات در روزهای متوالی ادامه پیدا کرد و خواستار توقف حملات به مردم غیر نظامی شدند. روزنامه بنی مساوات چاپ باکو، با اشاره به بمباران مناطق مسکونی لبنان در حمله‌ی قانا از سوی اسرائیل، افزود که در نتیجه‌ی این بیدادگرها دهها کودک بیگانه جان خود را از دست دادند، در ادامه‌ی مطلب به نقش آمریکا اشاره نمود و اذعان می‌کند که آمریکا در عین حال از حمله اسرائیل به لبنان، حمایت می‌کند و مسئولیت فاجعه‌ی اخیر در شهرهای لبنان را به عهده حزب الله می‌داند. (کریمی، ۱۳۸۸)

روزنامه‌ی گونه‌لیک آذربایجان نیز، اظهار داشت که به غیر از آمریکایی‌ها تمام کشورهای جهان این جنایت را محکوم کردند.

چنین اظهاراتی دقیقاً منطبق بر ادبیات رایج در خط فکری نظام جمهوری اسلامی است و این نشان دهنده‌ی نزدیکی افکار عمومی مردم آذربایجان و ایران در قضیه‌ی لبنان و غزه می‌باشد.

در نقطه‌ی مقابل، دولت آذربایجان می‌باشد. دولت علی‌اف، دارای روابطی در سطح بالا با غرب علی‌الخصوص اسرائیل می‌باشد. براساس اسناد ویکی‌لیکس که در آن، مکاتبات کارشناسان وزارت امور خارجه‌ی آمریکا منتشر شده بود؛ در دسامبر ۲۰۱۰ به این مسئله اشاره شده که آذربایجان همانند اسرائیل معتقد است که ایران بزرگترین تهدید امنیتی این کشور محسوب می‌شود و چنین برداشتی از سیاست‌های ایران، قطعاً موجب هراس از ایران و بی‌اعتمادی می‌گردد (UPI, 2011) و این در حالی است که طبق یکی دیگر از اسناد منتشره ویکی‌لیکس، دولت اسرائیل کمک نظامی زیادی به ارتش رژیم اقتدارگرای این کشور انجام داده است.

(Johnson, 2011)

در برخورد دولت آذربایجان با مسئله‌ی فلسطین، نوع متفاوتی از جبهه‌گیری مشاهده می‌شود. دولت آذربایجان برخلاف افکار عمومی مردمی، واکنش خاصی را نسبت به اقدامات ضد حقوق بشر اسرائیل در دو جنگ نامبرده

ایران در دوره‌های بحران تحولات فلسطین مثل انتفاضه، جنگ ۳۳ روز، ۲۲ روزه و یا حتی مذاکرات صلح همواره در صدد ایجاد جبهه‌ی ضد اسرائیلی بود؛ اما پس از اتمام آن مسئله هم سیاست‌های عملی و هم اعلامی در رابطه با دیگر کشورهای منطقه و جهان، به دور از آرمان‌گرایی فلسطین محور و در بستری از رئالیسم حاصل فهم مدیران ارشد جمهوری اسلامی بوده است.

در این دو جنگ مسئله‌ی حقوق بشر، مهمترین فاکتور جبهه‌گیری‌های مخالفان و موافقان آن در سطح منطقه و بین‌المللی بود و کشته شدن غیرنظامیان به شدت افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌داد. ایران در این میان به دلیل مخالفت با اسرائیل، موقعیت را برای ایجاد جبهه ضد اسرائیلی مناسب دید و سعی نمود تا ائتلافی را علیه اسرائیل ایجاد نماید و در این میان جبهه‌گیری کشورها برای ایران بسیار مهم قلمداد می‌شد و این مسئله تا به حدی پیش رفت که عملاً ایران، خواستار روشن شدن موضع سران بسیاری از کشورها شد.

کشور آذربایجان نیز به دلیل اکثریت مسلمان، این اقدامات اسرائیل را محکوم کرد و از اسرائیل تقاضای متوقف نمودن حملات را داشت. اما به دلیل عدم شدت عمل کافی از سوی سران آذربایجان، ایران در رادیو و تلویزیون دولتی خود نسبت به سیاست‌های دولت آذربایجان انتقاد می‌کرد و این دولت را به ایجاد ممانعت در برابر آزادی راهپیمایی و حمایت فلسطین، از طرف مردم محکوم می‌کرد. اما با پایان درگیری، حساسیت ایران نیز کاهش یافت و عملاً روابط به سطح عادی بازگشت.

اصولاً مسایل مهم در رابطه ایران و آذربایجان این است که بستر سردی برای رابطه‌ی دو طرف، نگاه متفاوت آنها به غرب و همچنین ناسیونالیسم قومی آذربایجان وجود دارد که خود را در مسائل منطقه‌ای و مناقشه‌ی قره‌باغ در کنار دفاع از آذربایجان بزرگ جلوه می‌کند. گذشته از آن آذربایجان و اسرائیل دارای روابط استراتژیک هستند و قطع رابطه با اسرائیل هم در کوتاه مدت و هم بلندمدت منافع و امنیت ملی آذربایجان را با چالش‌هایی روبرو خواهد ساخت.

است و قطع رابطه قطعاً آذربایجان را متحمل ضررهایی می‌کرد که توان این کشور را در مسئله‌ی قره‌باغ کاهش می‌داد.

دولت آذربایجان از آزادی تظاهرات نیز خرسند نبود چرا که این مسئله، می‌توانست موجب تقویت گروه‌های اسلام‌گرا شود که در تعارض با مشی سکولاریستی دولت، قرار داشت و در نهایت دولت را در چالش با جنبش‌های اسلام‌گرا قرار می‌داد.

آذربایجان، در طول ۵۵ روز جنگ اسرائیل با حزب الله و حماس تصمیم گرفت که تا جای ممکن سکوت کرده و خود را از مسئله کنار بکشد و در صورت نیاز به جبهه‌گیری از اعتراض، فراتر نرود چرا که در نهایت، اسرائیل به عنوان متحدی استراتژیک برای این کشور محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را در برابر گروهی طرفدار ایران که منافع مستقیمی با آنها ندارد مقایسه نمود.

نتیجه‌گیری

با ورود به قرن بیست و یکم که آغاز آن همراه شد با خروج نیروهای اسرائیلی از جنوب لبنان، اسرائیل دو جنگ را در منطقه شروع کرد. ابتدا جنگ ۳۳ روزه با حزب الله، سپس جنگ ۲۲ روزه را به راه انداخت که به عقیده‌ی بسیاری در این دو جنگ اسرائیل به اهداف خود نرسید و گذشته از آن با شیوه جدیدی از جنگ روبرو گردید و مفهوم امنیت ملی این کشور را شکننده تر کرد.

بعد از جنگ ۸ ساله‌ی تحمیلی، سیاست خارجی ایران در منطقه آمیزه‌ای از رئالیسم و ایده‌آلیسم در حوزه‌های مختلف بوده است. ایران در مرزهای جنوبی همواره نگاهی رئالیستی به مسائل داشته است و این در حالی است که در مورد فلسطین، نگاه ایران، آرمانگرایانه و به دنبال تحقق بخشیدن به آرمانهای انقلاب در نفی نظام سلطه و استکبار ستیزی قرار داشته است اما مسئله‌ی مهم این است که ایران هیچگاه در رابطه‌ی خود با کشورهای منطقه (در بعد عملی روابط خارجی) حتی کشورهای فرامنطقه‌ای از دریچه و چهارچوب تحولات فلسطین، نگاه نکرده است. اگر چه سیاست‌های اعلامی

روزه و ۲۲ روزه تنها انتقاداتی سطحی را از نحوه ی برخورد آذربایجان ایجاد نمود و عملاً در سطح مبادلات اقتصادی و تعاملات دیپلماتیک تفاوتی قبل و بعد از جنگ های ذکر شده بین دو کشور صورت نگرفت و به همین واسطه فرضیه ی مطرح شده در مقاله، مورد تأیید قرار می گیرد.

در جواب سوال تحقیق، می بایست گفت که ایران در مرزهای شمالی خود هیچگاه از دریچه ی مسائل فلسطین به منطقه نگاه نکرده است و همین مسئله باعث شده که تحولات فلسطین کمترین تأثیر را بر روابط ایران و حوزه های شمالی اش بگذارد و در نتیجه می توان گفت که در حوزه های شمالی نگاه رئالیستی بر سیاست خارجی ایران حاکم است و مسئله ی جنگ ۳۳

فهرست منابع

- احمدی نژاد، م. (۱۳۸۴). 8 29، پیام احمدی نژاد به حسنی مبارک Retrieved 3 4, 1390, from پایگاه خبری افتاب نیوز : <http://www.aftabnews.ir/vdcdfx0x.yt09s6a22y.html>
- احمدی نژاد، م. (1387, 9 10). رئیس جمهور در پیامی به ملت های آزاده جهان ملت ها هیچ فرصتی را برای حمایت از مظلومین غزه از دست ندهند Retrieved 3 4, 1390, from سایت نهاد ریاست جمهوری <http://www.president.ir/fa/?ArtID=14148>
- احمدی نژاد، م. (1387, 9 26). درخواست دکتر احمدی نژاد از پادشاه عربستان برای اعلام موضع صریح درخصوص غزه Retrieved 3 2, 1390, from سایت نهاد ریاست جمهوری <http://www.president.ir/fa/?ArtID=14350>
- بهرامی، م. (1389 شهریور 28) نقش جمهوری اسلامی ایران در تحولات اخیر منطقه قفقاز جنوبی و حل و فصل مناقشه قره باغ، سمینار جمهوری آذربایجان تجارب پیشین، چشم اندازهای فرارو. تهران: دانشگاه تهران.
- تحركات دیپلماتیک دولت نهم برای نجات غزه (1387, 9 28) سایت تحلیلی خبری عصر ایران Retrieved 3 4, 1390, from: http://www.aftabir.com/articles/view/politics/diplomacy/c1c1232197949_gaza.php
- روز شمار جنگ 33 روزه (1387, 5 5) ..سایت جامع دفاع مقدس Retrieved 3 1, 1390, from: <http://www.sajed.ir/new/lebanon/33-days-war/8843.html>
- کریمی، م. (۱۳۸۸، ۵، ۱۷). روز شمار جنگ ۳۳ روزه : روز بیستم و بیست و یکم. بازبایی در ۲، ۳۰، ۱۳۹۰، از سایت جامع دفاع مقدس، ساجد: <http://www.rasekhoon.net/article/category-35341-1.aspx>
- گزارش. (۱۳۹۰). درخواست مردم مصر برای قطع رابطه با اسرائیل. روزنامه وطن امروز.
- ولایتی، ع.ا. (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران و تحولات فلسطین (۱۹۷۹-۲۰۰۶). تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.

Abadi, J. (2002). "Israel's Quest for Normalization With Azerbaijan and the Muslim states of Central Asia". *Journal of Third World Studies*.

Abilov, S. (2009). "The Azerbaijan-Israel Relation : A Nondiplomatic, But Strategic Partnership" ., *OAKA Institution Vol 4 No 8*.

Aras, B. (1998). 'Post-Cold War Realities: Israel's Strategy in Azerbaijan and Central Asia. *Middle East Policy, Vol.5, No.4*.

Johnson, J. (2011, march 28)." *Palestinian rights don't factor into Israel-Azerbaijan relations*. Retrieved 5 25, 2011, from Palestinian return cente"r: <http://www.prc.org.uk/newsite/en/media/comments/980-Palestinian-rights-don-t-factor-into-Israel-Azerbaijan-relations.html>